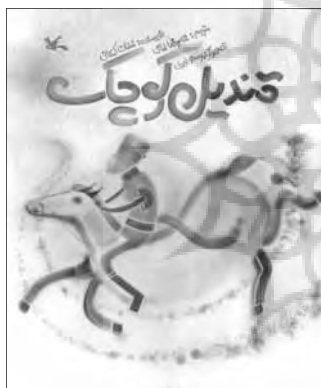


قندیل کوچک داستانی بی‌زمان

هومن بابک



عنوان کتاب: قندیل کوچک
نویسنده: غسان کنفانی
مترجم: غلامرضا امامی
تصویرگر: پرستو احدی
ناشر: کانون پرورش فکری کودکان
و نوجوانان
نوبت چاپ: اول ۱۳۸۷
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
تعداد صفحات: ۴۰ صفحه
بها: ۱۸۰۰ تومان



قندیل کوچک، نام کتابی است که به تازگی چاپ سوم آن با شکل و شمایل جدید نسبت به چاپ‌های قبلی، توسط انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده است.

غسان کنفانی، نویسنده این کتاب، از بزرگ‌ترین نویسندگان جهان عرب بوده و از وی آثار گوناگونی به چندین زبان ترجمه شده است. قندیل کوچک را غلامرضا امامی ترجمه کرده و تصویرگری نه چندان دلچسب آن را در چاپ جدید، پرستو احدی بر عهده داشته است.

داستان قندیل کوچک، از آن‌جا روایت می‌شود که امیری دادگر می‌میرد و وارثی ندارد. از وی تنها دختری باقی مانده که می‌تواند با اجرای شرطی که امیر در وصیت نامه خود ذکر کرده، بر تخت پادشاهی بنشیند و اگر نتواند این شرط را انجام دهد، باید برای تمام عمر در صندوق کوچک چوبی زندگی کند. شرط پدر این است که دخترک بتواند خورشید را به قصر بیاورد.

امیرزاده، دانشمندان را به شور فرا می‌خواند و تصمیم می‌گیرد به قله بلندترین کوه سرزمینش صعود کند تا خورشید را به دست آورد. اما این نیز کارگر نمی‌شود. دخترک دست به دامان مردم می‌شود و در کشور اعلام می‌کند هرکس بتواند امیرزاده را در این کار یاری رساند، پاداش زیادی خواهد گرفت. برخی از مردم با این کار مخالفت می‌کنند و بعضی دیگر خوشحالند که در کشورشان امیرزاده شجاعی دارند که می‌خواهد دست به کار محالی بزند.

روزی پیرمردی به قصر می‌آید که در دستانش قندیل کوچکی دارد و اصرار می‌کند که امیرزاده را ببیند. نگهبانان مانع از این کار می‌شوند و وی ناامید باز می‌گردد. دخترک شاهد ماجراست و به دنبال پیرمرد می‌رود و او را نمی‌یابد، سپس در تمام شهر جار می‌زند و به دنبال پیرمردی می‌گردند که در دستانش قندیل کوچکی وجود دارد. روزها می‌گذرد و تمام مردم

شهر از این خواسته آگاه می‌شوند و با هم به سوی قصر حرکت می‌کنند؛ درحالی که در دستان هر کدام یک قندیل وجود دارد که نور می‌پراکند.

مردم به قصر می‌رسند و می‌خواهند به حیاط قصر وارد شوند، اما دیوارها و درهای قصر مانع از این کار می‌شود. دیوارها به دستور امیرزاده خراب می‌شوند تا مردم بتوانند گرد هم آیند. نور قندیل‌ها به قدری زیاد است که همه جا روشن شده و گویی خورشید از آسمان فرو افتاده است.

کنفانی در این اثر، به شکل بسیار ظریف و زیبایی، مفهوم دموکراسی و مردم‌سالاری را برای سن هدف خود، یعنی گروه سنی ج و د ارائه کرده است و آنان را با این تعریف آشنا می‌کند؛ گرچه هیچ‌جا از این واژه برای تعریف آن‌چه می‌خواهد بگوید استفاده نمی‌کند. حضور مردمان به سان خورشیدی تصویر می‌شود که حاکمیت را انتخاب می‌کنند و نور این مردم‌سالاری حتی از خورشید نیز گرمابخش‌تر است.

در داستان، دیوارهای قصر پادشاه تخریب می‌شوند تا مردم بتوانند در قصر جا شوند و در حقیقت دیگر قصری نمی‌ماند و امیرزاده نیز خود جزئی از مردم می‌شود. بعضی از گفت‌وگوهایی که در داستان می‌آید، بسیار کارگشا و زیباست. بعد از آمدن مردم به قصر، کنفانی می‌نویسد:

«نور آن قدر زیاد بود که امیر زاده نمی‌توانست چشم‌هایش را باز کند.

پس رو به فرمانده کرد و گفت: هرگز خیال نمی‌کردم که در کشورم این همه قندیل پیدا شود.
فرمانده گفت: آن‌ها از دزدان می‌ترسند.

دانشمند پیر گفت: نه! در تاریکی شب هر کس قندیل کوچکی به دست می‌گیرد تا راهش را پیدا کند و رو به امیر زاده کرد و گفت: آیا به تنهایی می‌توانستی این همه قندیل را در دستان بگیرد؟
امیر زاده گفت: نه.

دانشمند گفت: درست مانند خورشید، خورشید هم بزرگ‌تر از آن است که مردی تنها یا زنی تنها بتواند آن را به چنگ آورد.

امیر زاده گفت: حالا همه چیز را فهمیدم... این قندیل‌های کوچکی که کنار هم جمع شده‌اند، همان خورشیدی است که پدر می‌خواست.

داستان قندیل‌های کوچک را بعد از مرگ کنفانی، در نوشته‌ها و خاطراتش می‌یابند. کنفانی خواهر زاده‌ای به نام لمیس داشته است که بسیار مورد علاقه وی بوده و این داستان را برای لمیس نوشته است. روزی که کنفانی توسط نیروهای رژیم صهیونیستی ترور شد، لمیس نیز در کنار وی حضور داشت و به همراه کنفانی به شهادت رسید.

دغدغه برتری مضمون و محتوا بر ساختار و فرم، در ادبیات پیشروی عرب همواره مشهود است. این‌که شاعران و نویسندگان عرب، به‌خصوص فلسطین اشغالی، همواره بر خلق آثاری ادبی در حول و محور مضمونی مشترک که با آرمان‌های مردم این سرزمین گره خورده است، اصرار می‌ورزند، شاید دور از تصور نباشد. بیان گوشه‌هایی از تراژدی غم‌انگیز معاصر قرن که همانا کشتار و آوارگی ملت فلسطین در طول سالیان متمادی، نمونه بارز و روشن آن به شمار می‌رود، یکی از محورهای اصلی هنر و ادبیات مقاومت فلسطین را تشکیل می‌دهد. در این میان شاعران، نویسندگان و هنرمندانی در عرصه هنر و ادبیات مقاومت فلسطین ظهور کرده‌اند که سایر جریان‌های ادبی هنری را در سالیان اخیر تحت‌الشعاع هنر و خلاقیت خود قرار داده‌اند.

غلامرضا امامی، مترجم کتاب، به زبان‌های ایتالیایی، انگلیسی و عربی تسلط کامل دارد و از این سه زبان تاکنون کتاب‌های متعددی به فارسی برگردانده. وی این کتاب را از زبان عربی به فارسی ترجمه کرده است. امامی درباره آشنایی خود با غسان کنفانی و ترجمه و چاپ این کتاب می‌گوید: «سال ۱۳۵۶، به دعوت بخش هنری سازمان آزادی بخش فلسطین، به بیروت سفر و با هنرمندان و نویسندگان متعددی برخورد کردم. اما همیشه نام کنفانی در صدر گفت‌وگوها و بحث‌های سیاسی و هنری هنرمندان عرب آن زمان بود. کم‌کم به آثار وی علاقه‌مند شدم و برخی از آثار وی را همان زمان ترجمه کردم.»

وی می‌افزاید: «یک سال قبل از انقلاب، این کتاب توسط انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شد. کتاب اصلی را خود کنفانی تصویرگری کرده بود و تصویرهای بسیار زیبایی داشت. در آن سال‌ها کتاب در ایران نیز با تصویرگری خود کنفانی منتشر شد. چاپ دوم این کتاب در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، در سال ۱۳۶۰ منتشر شد و بسیار مورد توجه قرار گرفت و شمارگان ۲۰ هزار عددی آن، در کم‌تر از سه ماه فروش رفت.»

این مترجم کتاب‌های کودک و نوجوان گفت: «پیام انسانی که در میان قصه‌های کنفانی موج می‌زند، در میان نویسندگان عرب بی‌نظیر است و به دور از شعارزدگی و زیاده‌گویی، نگاهی زیبا و زنده و پر از امید به زندگی را به تصویر می‌کشد.»



تصویری از چاپ قبلی کتاب

امامی گفت: «علاقه‌مند بودم در چاپ جدید هم این کتاب با تصویرگری کنفانی به چاپ برسد، اما بعد فکر کردم شاید تصویرگری جدید کتاب باعث شود کودکان گرایش بیشتری به آن پیدا کنند و باتصویرهای جدید ارتباط بیشتری برقرار کنند اما این گونه نشد. تصویرگر کتاب حتی یک بار نیز با من تماس نگرفت تا تبادل نظر کنیم و من بعد از چاپ کتاب تصویرهای آن را دیدم واز تصویرهای چاپ جدید کتاب راضی نیستم.»

از دیگر آثار در دست ترجمه و برخی نیز چاپ شده غلامرضا امامی، می‌توان به کتاب‌های «آفتاب‌پرست» و «آینه»، داستان‌هایی بر اساس روایتی از یک قصه سهروردی؛ «رنگین کمان»، (یادها و یادبودهای شخصی، شامل برداشتها و خاطرات شخصی امامی به همراه عکس‌ها و نامه‌هایی درباره مهندس مهدی بازرگان، خسرو گل‌سرخ، آیت‌الله سیدمحمود طالقانی، دکتر علی شریعتی، جلال آل احمد و استاد مرتضی مطهری)؛ «سرزمین پدری» (شامل چهار کتاب از آثار نویسندگان ایرانی مهاجر)؛ «قصه‌های فلسطین» (برگزیده‌ای از چهل قصه غسان کنفانی که نشر کارنامه منتشر خواهد کرد)؛ «پرنده و دیوار» (یک قصه برای نوجوانان)؛ «سرو سبز» (سیره صدر، روایتی قصه‌گونه و مستند از زندگی امام موسی صدر)؛ ترجمه کتاب «روایت و سفر جاسوس سیا به ایران پس از انقلاب» و «گفت‌وگوهای اورینا فالاجی» (انتشارات افق آن را در ماه‌های اخیر منتشر کرده است) اشاره کرد.

تصویرگری کتاب قندیل کوچک را در چاپ جدید، پرستو احدی برعهده گرفته است. استفاده از رنگ‌های کم‌مایه و فرم‌هایی که برای ذهن کودک ناآشناست (آنچه اکنون به تصویرگری جشنواره پسند شهرت یافته و بدون در نظر گرفتن حضور کودک در پای کتاب و فقط برای کسب جایزه انجام می‌شود و متأسفانه اکنون در طراحی کتاب‌های کودک بسیار

مد شده است)، نه تنها باعث جذب کودک نمی‌شود، بلکه او را از داستان دور هم می‌کند. استفاده از فرم‌ها و شکل‌ها و شخصیت‌هایی

چاپ قبل

چاپ جدید



که هیچ کنشی در داستان ندارند (به طور مثال تصویر سربازی جنگجو که روی اسبی نشسته است و صد افسوس که طرح جلد کتاب را نیز با همین تصویر آراسته‌اند یا لوستری که در صفحه

۳۷، امیر زاده از آن آویزان است و یا حتی کیکی که در صفحه ۲۱ شمعی بر آن قرار گرفته است)، از جمله ضعف‌های تصویرگری این کتاب است.

تصویرگری رابط بین داستان و کودک است و اگر از این مقوله گذر کنیم و تصویرگری کتاب نتواند واسطه محکمی بین داستان و کودک باشد، رسالت خود را به درستی انجام نداده و این یکی دیگر از اشکالاتی است که در تصویرگری چاپ جدید کتاب قندیل کوچک مشاهده می‌شود.

از این مسئله که بگذریم، مگر نه این است که نویسنده یک اثر، بیشتر و بسیار بیشتر از دیگرانی که کتاب را می‌خوانند، به فرم، محتوا و زبان داستانی خود نزدیک‌تر است. پس چگونه است که وقتی تصویرگری یک کتاب را خود نویسنده بر عهده می‌گیرد، تصویرها را حذف می‌کنیم و تصویرهای دیگری را به بهانه به روز نبودن تصویرهای گذشته به داستان می‌خورانیم. به نظر نگارنده، تصویرگری این کتاب پاشنه آشیل آن است و با دقت بیشتر در انتخاب تصویرگر، می‌توانست به اثری بسیار تأثیرگذار تبدیل شود.

به بهانه چاپ این کتاب، نگاه مختصری داریم به زندگی غسان کنفانی:



چاپ جدید



عسان کنفانی، در ۱۹ آوریل ۱۹۳۶ میلادی، در «عکا» (شهری در فلسطین اشغالی) به دنیا آمد. او همراه خانواده‌اش تا سال ۱۹۴۸، در یافا زندگی می‌کردند تا این که به موجب رویدادهای گوناگون، برای چند ماه به عکا بازگشتند و با اشغال فلسطین در سال ۱۹۴۸، ابتدا به لبنان و سپس همراه خانواده‌اش به سوریه رفت و در آن‌جا به کار و تحصیل پرداخت.

سه سال در دانشکده ادبیات دانشگاه دمشق درس خوانده بود که به علت فعالیت سیاسی اخراج شد. پس از آن به کویت رفت و طی شش سالی که در آن‌جا زیست، آثار درخشان ادبی خود را نوشت و بعد از آن کرسی استادی ادبیات عرب را در یکی از دانشگاه‌های دمشق، نه به عنوان رشته تخصصی که در آن فارغ التحصیل شده بود، بلکه به دلیل ذوق سرشاری که در این رشته داشت، به دست آورد.

وی در ۱۹۶۰، به بیروت نقل مکان کرد و در ۱۹۶۱، از میان دویست و پنجاه داستان‌نویس عرب، جایزه اول داستان کوتاه عرب را به دست آورد. سال ۱۹۶۳، همزمان با فعالیت‌های سیاسی و دستاوردهای ادبی، به عنوان سردبیر یک روزنامه آغاز به کار کرد در کنار این مسئولیت برای بسیاری دیگر از روزنامه‌ها و مجلات سیاسی و ادبی مقاله نوشت و مجموعه‌های فراوانی از شعر و داستان کوتاه و نمایش‌نامه منتشر کرد که هر کدام به نوبه خود، مانند یادداشت‌های سیاسی وی، هیاهوی بسیاری در پی داشتند. وی در ۱۹۶۶، به جایزه انجمن دوستداران کتاب در لبنان دست یافت.

در سال ۱۹۷۳ یک سال پس از شهادتش به وسیله سازمان‌های جاسوسی رژیم اشغالگر قدس، اتحادیه روزنامه‌نگاران جهان، جایزه ویژه سال کانون نویسندگان آسیا، آفریقا و جایزه «لوتس» را به وی اهدا کرد. کنفانی به غیر از نویسندگی، در نقاشی نیز چیره دست بود و بسیاری از آثار نوشتاری خود را تصویرگری کرده است. وی به عنوان یکی از پیشگامان داستان کوتاه جهان عرب شناخته می‌شود و داستان‌هایش همواره مورد توجه نقادان و مردمان عرب و غیر عرب بوده است. آثار وی تاکنون به زبان‌های انگلیسی، اسپانیولی، آلمانی، ژاپنی، مجاری، چکی، روسی، فارسی و... ترجمه شده است. در سال‌های اخیر نیز برخی از آثارش به زبان‌های فرانسوی، سوئدی، سواحیلی، بلغاری، نروژی و چند زبان دیگر برگردانده شده است.

هم‌چنین رمان بازگشت به حیفا، به‌تازگی توسط نوبواکی نوتوها، عرب‌شناس مشهور ژاپنی، به زبان ژاپنی ترجمه شده است. در اوایل دهه ۸۰، فیلم بلندی بر اساس کتاب بازگشت به حیفا، او تهیه شد. در ایران هم مرحوم سیف‌الله داد، کارگردان ایرانی، فیلم سینمایی و سریال «بازمانده» را با نگاهی آزاد به رمان بازگشت به حیفا ساخته است. از کنفانی تاکنون آثاری چون «ادبیات مقاومت در فلسطین اشغال شده»، «ام‌سعد روایه»، «با شاخه‌های زیتون»، «چیزی از بین نمی‌رود»، «انسان و باران»، «قندیل کوچک» و نمایش‌نامه «پلی به سوی ابدیت»، به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شده است.

چاپ سوم کتاب قندیل کوچک را واحد انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، در شمارگان ۵ هزار نسخه و قیمت ۱۸۰۰ تومان، در چهل صفحه به بازار کتاب عرضه کرده است.